

DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.4.8

انس بن مالک و حدیث غدیر؛ نقدي بر تفسیر سید رضی - منصور پهلوان
علمی- پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۰-۲۳

انس بن مالک و حدیث غدیر؛ نقدي بر تفسیر سید رضی

منصور پهلوان*

چکیده: ماجراهی خطبهٔ پیامبر اکرم در غدیر خم در حجه الوداع، از مهمترین شواهدی است که به ولایت و وصایت علی علیل دلالت دارد و علی علیل در موضع مختلف بدان استشهاد کرده‌اند. یکی از این موارد در نهج البلاغه و در حکمت ۳۰۳ ذکر گردیده است. در آن حکمت، علی علیل انس بن مالک را مورد خطاب و عتاب قرار داده‌اند که چرا با وجود آنکه شاهد ماجراهی غدیر بوده است، بدان شهادت نمی‌دهد؟ بسیاری از کتب معتبر تاریخی و حدیثی این شأن صدور را در توبیخ انس بن مالک ذکر کرده‌اند، اما متأسفانه سید رضی - رحمه الله - شأن صدور دیگری برای این حکمت ذکر نکرده است. این مقاله نقد محققانه کلام اوست.

کلیدواژه‌ها: غدیر خم؛ انس بن مالک؛ برص؛ مناشدہ؛ سید رضی؛ نهج البلاغه؛ امامت.

*. استاد دانشگاه تهران pahlevan@ut.ac.ir

یکی از حکمت‌های نهج البلاغه که به احتجاج علی علیه السلام به حدیث غدیر و کلام پیامبر اکرم - که در آن فرموده "من کنت مولا فعلى مولا" - دلالت دارد، حکمت ۳۰۳ نهج البلاغه است. در آن حکمت بر اساس متون تاریخی و منابع شیعه و اهل تسنن، علی علیه السلام در مسجد کوفه از مردم درخواست می‌کنند هر کس در غدیر خم شاهد خطبۀ پیامبر بوده، برخیزد و شهادت دهد. تعدادی برخاسته و شهادت می‌دهند، آنگاه علی علیه السلام به انس بن مالک خطاب فرموده و می‌گویند: ای انس! تو که شاهد بودی و خطابه را شنیدی چرا برنمی‌خیزی و شهادت نمی‌دهی؟ او می‌گوید: پیر شده‌ام و به فراموشی مبتلا شده‌ام و علی علیه السلام فرموده‌اند: «إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَصَرَّبَكَ اللَّهُ إِيمَانُكَ يَضَاءَ لَأَمْعَةً لَا تُؤَرِّيْهَا الْعِمَامَةُ» قال: يعني البرص. فأصحاب أنسا هذا الداء في ما بعد في وجهه؛ فکان لا يرى إلا متربقا. (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۳)

اگر دروغ بگویی، خدا تو را به پیسی و مرضی مبتلا کند که عمامه آن را نپوشاند.
(نهج البلاغه حکمت ۳۰۳؛ شرح ابن ابی الحدید ج ۱۹ ص ۲۱۸)

اما سید رضی - رحمه الله - در مقدمه‌ای که بر این حکمت نوشت، ذکری از حدیث غدیر نکرده و موضوع را مربوط به جنگ جمل و حدیثی از پیامبر ﷺ در باره طلحه و زبیر دانسته است. وی می‌نویسد:

«و قال علیه السلام لأنس بن مالك، وقد كان بعثه إلى طلحة والزبير لما جاء إلى البصرة، يذكرهما شيئاً سمعه من رسول الله ﷺ في معناهما، فلوى عن ذلك، فرجع إليه، فقال: إني أنسىت ذلك الأمر». (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۳)

يعنى علی علیه السلام وقتی که به بصره آمد، انس بن مالک را نزد طلحه و زبیر فرستاد تا سخنی را که از رسول خدا ﷺ در باره ایشان شنیده به آنها یادآوری کند. انس از این کار سر باز زد و به سوی او بازگشت و گفت: من پیر شده‌ام و آن سخن را فراموش کرده‌ام.

سید رضی در سخنان خود، به کلام پیامبر اکرم در باره طلحه و زبیر اشاره‌ای

نمی‌کند، اما بعضی از شروح نهج البلاغه در توضیح کلام سید رضی گفته‌اند: مقصود این حدیث پیامبر اکرم بوده است: «إنكما ستقاتلان علياً و انتما له ظلمان» (شرح ابن میثم بحرانی ذیل حکمت ۳۰۳)

ولی این درخواست شهادت علی علیه السلام از انس بن مالک، مربوط به ماجرای خطیر و عظیم غدیر خم و حدیث "من كنت مولاًه فعلى مولاًه" است، نه جمله‌ای از رسول اکرم خطاب به طلحه و زبیر که در آن فرموده باشند: "شما به زودی با علی کارزار می‌کنید و شما به او ستم می‌کنید".

در زیر شواهد و دلایلی بر درستی این مدعای آمده است:

در دوره‌های مختلف بسیار کسان کوشیده‌اند که واقعه تاریخی غدیر خم و تأکید پیامبر اکرم بر ولایت علی علیه السلام را از خاطره‌ها محو کنند و برخی هم ناخواسته چنین کرده و به راه آنان رفته‌اند. واقعه غدیر خم و خطبه تاریخی پیامبر اکرم آن چنان عظیم بود که پس از گذشت قریب به سی سال هنوز کسانی بودند که آن را در کوفه گزارش کنند.

۱. سید رضی هیچ مأخذی برای تفسیر خود از کلام علی علیه السلام ذکر نمی‌کند و ما نمی‌دانیم مستنده او در این سخنان چیست؟ اما با جستجوی گسترده در کتاب‌های حدیث و تاریخ به جرأت می‌توان گفت که هیچ منبعی پیش از سید رضی این سخنان علی علیه السلام را مربوط به جنگ جمل و پیشگویی پیامبر از احوال پسین طلحه و زبیر ندانسته است.

۲. جمله "إنكما ستقاتلان علياً و انتما له ظلمان" در هیچ یک از منابع حدیثی شیعه و یا اهل تسنن وارد نشده و بر اساس تحقیق، اول بار در شرح ابن میثم بحرانی (متوفای ۶۷۹) ذیل همین حکمت ۳۰۳ نهج البلاغه ورود یافته است، اما در منابع حدیثی و یا تاریخی، آن هم پیش از سید رضی، اثری از آن نیست.

۳. ابن قتیبه دینوری (متوفای ۲۷۲ هجری) - که از ادبیان و مورخان بزرگ اهل تسنن است و کتاب‌های ارزشمندی همچون المعرف، عيون الاخبار، ادب الكاتب و الامامة و السياسة از او باقی است - حدیث را مربوط به عدیر خم و اعلام ولایت

علی علیله پس از پیامبر اکرم می‌داند. وی در این باره می‌نویسد:

«أنس بن مالك كان بوجهه برصُّ، و ذكر قومٌ: أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ: «اللَّهُمَّ وَالِّيْ مِنْ وَالَّهِ وَعَادِ مِنْ عَادَهُ»، فَقَالَ: كَبِرْتُ سَنَّى وَ نَسِيَّتُ، فَقَالَ عَلِيٌّ: إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَضُرِبَكَ اللَّهُ بِبِيضاءٍ لَا ثُوارِبَهَا الْعَمَامَةُ». (المعرف ج ۱ ص ۲۵۱)

۴. مورخ بزرگ جهان اسلام احمد بن یحیی معروف به بلاذری (متوفای ۲۷۹ هجری) و نویسنده کتاب‌های ارزشمندی همچون فتوح البلدان و انساب الاشراف در این باره می‌نویسد:

قال على على المنبر: «أَنْشَدَ اللَّهُ رَجُلًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ يَقُولُ يَوْمَ عَدِيرٍ خُمْ: اللَّهُمَّ وَالِّيْ مِنْ وَالَّهِ وَعَادِ مِنْ عَادَهُ، إِلَّا قَامَ وَ شَهَدَ»؛ وَ تَحْتَ الْمُنْبِرِ أَنْسُ بْنُ مَالِكَ، وَ الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ، وَ جَرِيرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجْلِيِّ. فَأَعْوَدَهَا فَلَمْ يَجِدْهُ أَحَدًا. فَقَالَ: «اللَّهُمَّ مَنْ كَتَمَ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَ هُوَ يَعْرَفُهَا، فَلَا تُخْرِجْهُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى تَجْعَلْهُ بِآيَةٍ يَعْرِفُ بِهَا». قَالَ أَبُو وَائِلٍ: فَبَرِصَ أَنْسٌ، وَ عَمِيَ الْبَرَاءُ، وَ رَجَعَ جَرِيرٌ أَعْرَابِيًّا بَعْدَ هَجْرَتِهِ، فَأَتَى الشَّرَاطَةَ، فَمَاتَ فِي بَيْتِ أُمِّهِ. (انساب الاشراف ج ۲ ص ۱۵۶ حدیث ۱۶۹)

يعنی: در پای منبر، انس بن مالک و براء بن عازب و جریر بن عبدالله بجلی نشسته بودند. علی علیله آن درخواست را تکرار کرد، اما هیچ یک از آنان اجابت نکردند. آنگاه علی علیله فرمود: بارالها اگر کسی می‌داند و آن را کتمان می‌کند، پیش از آنکه از دنیا برود، بر او نشانه و علامتی بنه و قرار ده تا بدان علامت شناخته گردد. بعد از آن، انس به پیسی مبتلا شد و براء نایینا گردید و جریر به جاهلیت بازگشت و به سرزمین شرای آمد و در منزل کنیزی درگذشت.

۵. دیگر از کسانی که به ماجراهی مناشدۀ امیر مؤمنان علی علیله در کوفه تصریح کرده،

ابو عبدالله احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری) است. او پیشوای حنابلہ و یکی از رؤسای مذاهب اربعه اهل تسنن است و کتاب مستند او از مهمترین منابع حدیثی اهل تسنن به شمار می‌آید. وی در آن کتاب می‌نویسد:

عن عبد الرحمن بن أبي لیلی قال: شهدت علیاً رضی الله عنه فی الرحبة ينشد الناس؛ أنسد الله من سمع رسول الله صلی الله علیه [و آله] وسلم يقول يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاہ لما قام فشهد. قال عبد الرحمن: فقام اثنا عشر بدریاً کانی انظر إلى أحدهم. فقالوا: نشهد أنت سمعنا رسول الله صلی الله علیه [و آله] وسلم يقول يوم غدیر خم: ألسْت أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجِ أَمْهَاتِهِمْ؟ فقلنا: بلی یا رسول الله. قال: فمن كنت مولاہ فعلى مولاہ اللهم وال من والاه وعاد من عاداه (مستند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۱۱۹).

عبد الرحمن بن أبي لیلی می‌گوید: علی رضی الله عنه در همان سرزمین کوفه مردم را سوگند داد که هر کس در روز غدیر خم این کلام را از پیامبر اکرم شنیده است، برخیزد و گواهی دهد و دوازده تن از بدریون برخاستند و شهادت دادند.
۶. ابن رسته (متوفا در حدود ۳۰۰ هجری). او دانشمندی بزرگ، هیوی و جغرافیادان است و معروفترین کتاب او "الأعلاق النفيسة" نام دارد. او در این باره می‌نویسد: «أنس بن مالك، كان يوجهه برص، و يذكر قوماً على بن أبي طالب رضي الله عنه سأله عن شيء؛ فقال: كبرت سنّي و نسيت! فقال على: إن كنت كاذباً فضربك الله بيضاء لا تواريها العمامة (الأعلاق النفيسة، ص ۲۲۱).

۷. ابو منصور ثعالبی (متوفای ۴۲۹ هجری) از دانشمندان و ادبیان ادب عربی است و کتاب‌های بسیاری دارد از جمله: فقه اللغة، التمثيل و الحاضرة، المنتحل، تحفة الوزراء، سحر البلاغة، الاعجاز و الايجاز، ثمار القلوب، لطائف المعارف، درر الحكم و غيره. او در باب شأن صدور کلام علی علیاً می‌نویسد:

«و كان أنس بن مالك رضي الله عنه أبصراً، و ذكر قوماً على ابن أبي طالب - كرم الله وجهه - سأله عن قول النبي صلی الله علیه [و آله] وسلم فيه: «اللهم وال من واله و عاد من

عاداه». فقال: قد كبرت و نسيت! فقال علي: «إن كنت كاذباً فضريك الله بيضاء لا تواريها العمامة»، فأصابه برص (لطائف المعارف ص ١٠٥).

داستان مبتلا شدن انس بن مالک مشهور است و در کتاب‌های بسیاری آمده است؛ از جمله: تهذیب الکمال ج ٣ ص ٣٧٥، تاریخ الاسلام ج ٦ ص ٢٩٥، سیر أعلام النبلاء ج ٣ ص ٤٠٥.

٨. حافظ ابو نعیم اصفهانی (متوفای ٤٣٠ هجری) محدث و مؤلف نامدار جهان اسلام است. از اساتید او حاکم نیشابوری و طبرانی و از شاگردان او خطیب بغدادی را ذکر کرده‌اند و از کتاب‌های او حلیة الاولیاء و اخبار اصبهان است. ابو نعیم اصفهانی این ماجرا را از استادش حافظ طبرانی نقل کرده و در ادامه می‌نویسد:

«فقاموا كلهم فقالوا: نعم، و قعد رجل: فقال: «ما منعك أن تقوم؟» فقال: يا أمير المؤمنين كبرت و نسيت! فقال: «اللهم إن كان كاذباً فاضريه بليلة حسن». قال: فما مات حتى رأينا بين عينيه نكتة بيضاء لا تواريها العمامة (حلیة الاولیاء ج ٥ ص ٢٦ - ٢٧).»

ابو نعیم همین روایت را در کتاب دیگر خود اخبار اصبهان ج ١ ص ١٠٧ تا عبارت "اللهم وال من والاه و عاد من عاده" نقل کرده است.

٩. ابن اثیر، ابو الحسن علی بن ابی الكرم (متوفای ٤٣٠ هجری) که از رجال شناسان و مورخان اسلامی است، در کتاب بزرگ خود که در شناخت صحابة پیامبر اکرم نوشته است، از ابو اسحاق نقل می‌کند که راویان حدیث مناشدة علی علیشیلہ در کوفه و مبتلا شدن برخی از کتمان کنندگان واقعه غدیر به کوری و پیسی، فراوان و بی‌شمارند.

قال أبو إسحاق: وحدثني من لا أحصى أن علياً نشد الناس في الرحمة: "من سمع قول رسول الله ﷺ: من كنت مولاً فعلى مولاً، اللهم وال من والاه، وعاد من عاده". . فقام نفر، فشهدوا

أَنْهُمْ سَمِعُوا ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ كَتَمْ قَوْمٌ، فَمَا خَرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ عَمِوا، وَأَصَابَتْهُمْ آفَةٌ
 (أسد الغابة ج ۳ ص ۴۹۲ رقم ۳۳۸۲).

اینکه دانشمندی همچون ابن اثیر در کتابش *أسدالغابة* راویان مناشده غدیر را
 بیشمار و غیرقابل احصاء میخوانند، واقعاً شگفت‌انگیز است.

۱۰. ابوحامد عبد الحمید معروف به ابن ابی الحدید (متوفی ۶۵۶ هجری) شارح
 معترزلی *نهج البلاغه* در دو موضع از کتابش، از این حدیث سخن گفته است. ابتدا
 در ذیل همین حکمت ۳۰۳ نوشته است:

«مشهور آن است که علی علیہ السلام در سرزمین کوفه مردم را سوگند داد که هر کس
 این حدیث پیامبر اکرم را در بازگشت از حجۃ الوداع در روز غدیر خم شنیده است،
 برخیزد و گواهی دهد: من کنت مولاھ فعلی مولاھ اللهم وال من والاھ و عاد من عاده.

جمع بسیاری برخاستند و گواهی دادند. علی علیہ السلام به انس بن مالک رو کردند و
 فرمودند: انس! تو که حاضر بودی پس چرا گواهی نمی‌دهی؟ انس گفته است یا
 امیرالمؤمنین! به کبر سن مبتلا شده‌ام و آنچه که فراموش کرده‌ام بیشتر از چیزی
 است که به یاد می‌آورم. امام فرمودند: اگر دروغ بگویی خدا ترا به برصی مبتلا کند
 که عمامه آن را نپوشاند و او به این مرض مبتلا گردید (شرح *نهج البلاغه* ج ۱۹ ص ۲۱۸).

ابن ابی الحدید آنگاه کلام سید رضی در باره این حدیث را ناشناخته و غیر
 معروف می‌خواند و با دلیل آن را رد می‌کند. وی می‌نویسد:

«فَأَمَّا مَا ذَكَرَ الرَّضِيَّ مِنْ أَنَّهُ بَعَثَ أَنْسًا إِلَى طَلْحَةَ وَالْزِيْرِ فَغَيْرُ مَعْرُوفٍ، وَلَوْ كَانَ قَدْ بَعَثَهُ لِيَذْكُرَهُمَا
 بِكَلَامٍ يَخْتَصُّ بِهِمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أَمْكَنَهُ أَنْ يَرْجِعَ فَيَقُولُ إِنِّي أَنْسِيَتُهُ، لَأَنَّهُ مَا فَارَقَهُ مَتَوَجَّهًا
 نَحْوَهُمَا إِلَّا وَقَدْ أَفَرَّ بِمَعْرِفَتِهِ وَذَكْرِهِ، فَكَيْفَ يَرْجِعُ بَعْدِ سَاعَةٍ أَوْ يَوْمٍ فَيَقُولُ إِنِّي أَنْسِيَتُهُ، فَيَنْكِرُ بَعْدِ
 الْأَقْرَارِ! (همان)

آنچه رضی گفته است که او انس را به نزد طلحه و زبیر فرستاد، مطلبی غیر

معروف و ناشناخته است و اگر او را فرستاده بود تا کلامی را که از پیامبر اکرم در باره آنها شنیده به آنها یادآوری کند، امکان نداشت که باز گردد و بگوید من آن را فراموش کرده‌ام؛ زیرا قبل از حرکت و رفتن باید می‌گفت من فراموش کرده‌ام و چیزی به خاطر ندارم. و اینکه رفته است و بعد از مدتی مراجعت کرده و گفته پیر شده‌ام و فراموش کرده‌ام، نشانه آن است که امری مهمتر از یادآوری یک سخن به آن دو، در میان بوده است.

وی در پایان می‌گوید:

«و قد ذکر ابن قتبیة حديث البرص، و الدعوة التي دعا بها أمير المؤمنین علیه السلام على أنس بن مالك في كتاب المعرف في باب البرص من أعيان الرجال، وابن قتبیة غير متهم في حق على علیه السلام، على المشهور من الأخرافه عنه». (همان)

یعنی: ابن قتبیه دینوری حدیث برص و دعای امیرالمؤمنین علیه انس بن مالک را در کتاب المعرف باب برص آورده و ابن قتبیه از مردان شاخص و بزرگ است و او متهم به دوستی با علی علیه السلام نیست، زیرا چنان که مشهور است او علوی و امامی نیست.

ابن ابی الحدید، ذیل خطبه ۵۶ نیز از این موضوع سخن گفته است که در آن اسامی بعضی از صحابه منحرف از امیرالمؤمنین علیه السلام را ذکر کرده است. در آنجا می‌گوید:

«و ذكر جماعة من شيوخنا البغداديين أنّ عدّة من الصحابة والتابعين والمحذّفين كانوا منحرفين عن علی علیه السلام، قائلين فيهسوء، و منهم من كتم مناقبه وأعلن أعداءه ميلاً مع الدنيا، وإشاراً للعاجلة، فمنهم أنس بن مالك، ناشد على علیه السلام الناس في رحبة القصر - أو قال رحبة الجامع بالكوفة - : أيكم سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم يقول: "من كنت مولاه فعلى مولاه"؟ فقام اثنا عشر رجلاً فشهدوا بما، و أنس بن مالك في القوم لم يقم، فقال له: يا أنس، ما يمنعك أن تقوم فتشهد، ولقد حضرتـما! فقال: يا أميرالمؤمنین، كبرت و نسيت، فقال: اللهم إن كان

کاذا بَأْ فارمه بِهَا بِيضاء لا تواريها العمامة. قال طلحة بن عمير: فوالله لقد رأيت الوضح به بعد ذلك أَيْضَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ» (شرح نهج البلاغة ج ۴ ص ۷۴).

خلاصه ترجمه آنکه: برخى از شیوخ بغدادی ما می گویند برخى از صحابه و تابعان و نو رسان، بدگویی علی علیہ السلام را می کردند و برخى هم به دلیل دنیا دوستی و ترجیح دنیا بر آخرت، فضایل و مناقب او را کتمان می کردند. از زمرة آنان انس بن مالک بود. هنگامی که علی در کوفه مناشده کرد و مردم را سوگند داد که هر کس از پیامبر اکرم حدیث "من کنت مولا فعلى مولا" را شنیده برخیزد و شهادت دهد، دوازده تن برخاستند، اما انس برنخاست و شهادت نداد...الی آخر.

۱۱. ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ هجری) مفسر و مورخ و محدث بزرگ اسلامی است که شافعی مذهب بود و در دمشق از اساتیدی همچون آمدی و ابن تیمیه بهره برد. او در چندین موضع از تاریخ خود به این ماجرا اشاره می کند؛ از جمله این گزارش:

«عن عميرة بن سعد: أنه شهد علياً على المنبر، يناشد أصحاب رسول الله من سمع رسول الله يوم غدير خم؛ فقام اثنا عشر رجلاً منهم أبوهريرة و أبو سعيد و انس بن مالك؛ فشهدوا أئمماً سمعوا رسول الله يقول: من كنت مولا فعلى مولا، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (البداية والنهاية ج ۵ ص ۲۱۱).

۱۲. علاءالدین علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی (متوفای ۹۷۵ هجری) از بزرگترین محدثان حنفی به این ماجرا و مبتلا شدن انس بن مالک چنین اشاره می کند:

«عن عبد الرحمن بن أبي ليلی قال: خطب على، فقال: أنشد الله امرأ نشدة الإسلام سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم يوم غدير خم أخذ بيدي يقول: ألسنت أولي بكم يا معاشر المسلمين من أنفسكم؟ قالوا: بلی یا رسول الله! قال: "من کنت مولا فعلى مولا، اللهم! وال من

والاہ و عاد من عاداہ، و انصر من نصره و اخذل من خذله" إلا قام فشهاد! فقام بضعة عشر رجالاً فشهادوا و کتم قوم؛ فما فنوا من الدنيا إلا عموا وبرصوا.» (کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۳۱ حدیث (۳۶۴۱۷

متقی هندی نقل می کند که در این مناشده بین سیزده تن برخاستند و شهادت دادند، اما برخی هم شهادت را کتمان کردند، که پیش از مرگ یا کور شدن و یا به مرض پیسی مبتلا گشتند. البته عبد الرحمن تصریح نمی کند که چه کسی به مرض پیسی یا برص مبتلا شد.

۱۳. جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری) ادیب، مورخ و محدث شافعی مذهب نیز ضمن نقل ماجرا از مسنند احمد بن حنبل، تاریخ این مناشده در کوفه را نیز بیان کرده و آن را مربوط به اوایل حکومت امام علی در کوفه و تعداد شهادت دهنگان را سی تن گزارش کرده است، وی می نویسد:

«و لأحمد عن أبي الطفيلي قال: جمع على الناس سنة خمس و ثلاثين في الرحبة؛ ثم قال لهم: أنشد بالله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم يقول يوم غدير خم ما قال، لما قام. فقام إليه ثلاثون من الناس فشهادوا أن رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم قال: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاہ و عاد من عاداہ» (تاریخ الخلفاء، الاحادیث الواردۃ فی فضلہ).

۱۴. دلیل دیگری که بر نادرستی تفسیر سید رضی رحمه الله دلالت دارد، این است که اگر کسی سخنان پیامبر اکرم را که در خفا به طلحه و زبیر فرموده باشد، نشنیده یا در خاطر نداشته باشد، مستوجب لعن و نفرین علی علیہ السلام نخواهد بود، علیخصوص که آن سخن در هیچ یک از کتابهای حدیثی نقل نشده باشد؛ اما اگر کسی فضیلتی از فضایل علی علیہ السلام را که پیامبر در حضور هزاران تن در غدیر خم بیان فرموده و بسیاری از کتب حدیثی آن را گزارش کرده باشند، کتمان کند، آنهم

اگر آن شخص دربان و خدمتکار مخصوص پیامبر باشد، الحق که شایسته لعن و نفرین خواهد بود.

چند نکته

۱. علی علیل در جنگ جمل و در بصره با طلحه و زبیر - بیواسطه - گفتگو کرده و آنان را به احادیث پیامبر اکرم دلالت کرده‌اند، از این رو نیازی به درخواست کردن از اشخاصی همچون انس بن مالک برای ابلاغ این احادیث وجود نداشته است. حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هجری) از رفاعة چنین نقل می‌کند:

«كنا مع علیّ يوم الجمل، فبعث الى طلحة بن عبيدة الله أَنْ ألقني. فأتاه طلحة، فقال: ناشدتك بالله هل سمعت رسول الله يقول: "من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاده"؟ قال طلحة: نعم، قال: فلم تقاتلني؟ قال: لم اذکر، فانصرف طلحة» (المستدرک ج ۳ ص ۳۷۱).

۲. احادیثی که در فوق بدان استناد کرده‌ایم، همه از منابع معتبر اهل تسنن است، زیرا گفته‌اند:

خوشت آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

اما بی‌مناسبت نیست به یک مورد از منابع شیعی هم اشاره کنیم:
ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (متوفای ۴۱۲ هجری)
در این باره در کتاب ارزشمند خود الارشاد می‌نویسد:

«حدّثنا طلحة بن عميرة قال: نشد على علیل الناس في قول النبي ﷺ: "من كنت مولاه فعلی مولاه"؛ فشهد اثنا عشر رجلاً من الانصار، و أنس بن مالك في القوم لم يشهد. فقال له أمير المؤمنين علیل: يا أنس. قال: ليك، قال: ما يمنعك أن تشهد و قد سمعت ما سمعوا؟ فقال: يا أمير المؤمنين، كبرت و نسيت، فقال أمير المؤمنين علیل: اللهم إن كان كاذباً فاضربه ببياض - أو بوضح لا تواريه العمامة» (الارشاد ج ۱ ص ۳۵۱).

سید رضی و برادرش سید مرتضی هر دو در بغداد از شاگردان شیخ مفید بودند. ملاحظه می‌شود که استاد و شیخ سید رضی هم این ماجرا را مربوط به واقعهٔ غدیر خم می‌داند، نه کلامی در بارهٔ طلحه و زبیر.

۳. اما در جواب این سؤال که "چرا سید رضی - رحمة الله - ماجرای مناشده به حدیث غدیر را در مقدمه کلام علی علیه السلام به انس بن مالک، ذکر نکرده است؟" باید بگوییم: سید رضی ادیب و شاعر است و دیوان بزرگی که از وی بر جای مانده است دلالت بر این مدعای دارد. او محدث نیست و روایات را با سلسلهٔ سند روایت نمی‌کند، و نمی‌دانیم تا چه حدودی بر کتاب‌های حدیثی وقوف داشته است. مسلماً او مانند شیخ مفید و یا برادرش سید مرتضی متضلع در این فن نبوده است. آری او ادیب است، نه محدث. و بی‌جهت نیست که نام مجموعهٔ گرانسنگ خود را نهج‌البلاغه نامیده است، او از دیدگاه بлагت و فصاحت به سخنان امام علی علیه السلام نگریسته و توضیحات او بر کلمات امام، غالباً ادبی و لغوی است.

در پایان بی‌مناسبت نیست شمه‌ای از صفات و ویژگی‌های انس بن مالک را ذکر کنیم، این صفات و ویژگی‌ها در بیشتر کتاب‌های تراجم و رجال ذکر شده است و ما آنها را از کتاب سیر اعلام النبلاء تألیف ابو عبدالله شمس الدین ذهبی نقل می‌کنیم. ۱. او انصاری و خزرجی بود و هنگامی که پیامبر به مدینه آمد، هشت ساله یا ده ساله بود.

۲. مادرش او را به عنوان خدمتکار تقدیم پیامبر کرد.

۳. در سال ۳۵ هجری که انس گفته است پیر شده‌ام و فراموشی بر من غالب شده است، فقط ۴۳ سال داشت و پس از آن ۶۰ سال دیگر در قید حیات بود.

۴. او از اشخاص زیر نقل روایت می‌کند: پیامبر، ابوبکر، عمر، عثمان، معاذ، اسید بن حضیر، ابی طلحه، ابوهریرة، عبادة بن صامت، مالک بن صعصعة. اما از علی علیه السلام روایت

نقل نکرده است.

۵. مسند او شامل ۲۲۸۶ روایت است و بخاری و مسلم ۱۸۰ روایت از او نقل کردند.

۶. او مردی شروتمند و پر اولاد بود و آن جلال را مدیون پیامبر می‌دانست که در دعای بر او فرموده بود: "اللهم أكثر في ماله و ولده". شمار فرزندان و نوادگان او هنگام وفات، بالغ بر صد تن بوده است.

۷. حماد بن سلمة گوید: «أَخْبَرَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي بَكْرٍ، عَنْ أَنْسِ، قَالَ: إِسْتَعْمَلْنَا أَبُو بَكْرَ عَلَى الصَّدَقَةِ، فَقَدِمْتُ وَقَدْ ماتَ، فَقَالَ عُمَرُ: يَا أَنْسَ أَجْئَتْنَا بِظَهْرِهِ؟ قَلَتْ: نَعَمْ. قَالَ: جَئْنَا بِهِ، وَمَا لَكَ؟ قَلَتْ: هُوَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ. قَالَ: وَإِنْ كَانَ، فَهُوَ لَكَ. وَكَانَ أَرْبَعَةُ آلَافٍ».

۸. او متوقع اکرام و احترام فوق العاده از ناحيه مردم بود و می گفت: «إنى خدمت رسول الله - صلى الله عليه و سلم - تسع سنين، والله لو أن النصارى أدركوا رجالاً خدم نبيهم، لأكرموه».

اگر نصارا خادم عیسی را می یافتند، او را بسیار تکریم می کردند.

۹. او بیماری برص داشت و سپیدی شدیدی صورتش را فرا گرفته بود و لقمه های بزرگ بر می داشت.

کان أنس بن مالك أبرص و به وضح شديد، ورأيته يأكل، فيلقم لقماً كباراً

۱۰. آن عمامه که علی عليه السلام فرموده بود بر سر و صورت او افتاده بود.

قال سلمة بن وردان: رأيت على أنس عمامه سوداء قد أرحاها من خلفه.

۱۱. حجاج به او گفته بود: «يا خبيث، حوال في الفتنة، مرة مع على، ومرة مع ابن الزبير، ومرة مع ابن الأشعث. أما والذى نفسى بيده، لاستأصلناك كما تستأصل الصمعة، و لأجردنك كما يجرد الضبّ. قال: يقول أنس: من يعني الأمير؟ قال: إياك أعني، أصم الله سماعك. قال: فاسترجع أنس!»

۱۲. او در سن ۱۰۳ سالگی درگذشت.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. احراق الحق و ابطال الباطل و ملحقات الاحراق، آیة الله مرعشی، جلد ۶ صفحات ۳۰۵ تا ۳۴۰ و جلد ۸ صفحات ۷۴۱ تا ۷۴۸.
۲. اخبار اصبهان، ابو نعیم اصفهانی، دار الكتب العلمية، ۳ مجلد.
۳. اسد الغابه فی معرفة الصحابة، ابن اثیر جزئی، مجلد سوم.
۴. الاعاق النفیسه، ابو علی احمد بن عمر، ابن رسته، مطبعة بیبل.
۵. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، ۳ مجلد، بیروت.
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مجلد ۴۱، صفحات ۲۰ تا ۲۰۴، تهران.
۷. البداية و النهاية، ابن کثیر دمشقی، ۱۵ مجلد، بیروت.
۸. تاريخ الاسلام، شمس الدین ذہبی، تحقیق: عمر عبد السلام تدمري، دار الكتاب العربي.
۹. تاريخ الخلفاء، جلال الدین سیوطی، یک مجلد، بیروت.
۱۰. تهذیب الکمال، یوسف بن عبد الرحمن مزی، ۳۵ مجلد، بیروت.
۱۱. حلیة الاولیاء ابو نعیم اصفهانی، دار الكتاب العربي، بیروت.
۱۲. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذہبی، دار الحدیث، قاهره.
۱۳. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، مؤسسه النصر، تهران.
۱۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم.
۱۵. الغدیر، عبدالحسین امینی، مجلد اول صفحات ۳۸۸ به بعد، بیروت.
۱۶. کنز العمال، متغی هندي، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، دار الكتب العلمية.
۱۷. لطائف المعارف، ابو منصور ثعالبی، دار ابن کثیر، بیروت.
۱۸. المستدرک علی الصحيحین، حاکم نیشابوری، مجلد سوم.
۱۹. مستند احمد، ابو عبدالله حنبل، تصحیح احمد شاکر، دار الحدیث، قاهره.
۲۰. المعارف، ابن قتیبه، تحقیق: ثبوت عکاشة، مصر.